

تقریر درس تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام قادر بریسم	جلسه	تاریخ	۱۴۰۳ / ۰۷ / ۱۵
عنوان ۱	تفسیر ترتیبی از ابتدای قرآن کریم			
عنوان ۲	معجز بودن نص قرآنی			
عنوان ۳	انواع اعجاز قرآنی • ۳. اعجازات علمی قرآن کریم			

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

درآمد بحث

بحث ما در خصائص نص قرآنی بود. گفتیم یکی از خصائص نص قرآنی، این است که نص اعجازی است. البته بحث ما، در اعجاز قرآن نیست؛ ولی می خواهیم همین نکته اعجازی بودن نص را مطرح کنیم؛ اما گذر ما از بحث اعجاز، گذر سریع است و بحث درباره خود اعجاز قرآنی دامنه بسیار گسترده تری می طلبد.

ما به دو نوع از اعجازات قرآنی، اشاره کردیم:

۱. اعجاز بیانی: با اشاره به خصوصیات بیان قرآنی گفتیم چگونه گاهی در قرآن کریم، در یک بیان موجز، حوادث بسیار زیاد ولی با بیان لطیف و در نهایتِ اقتصار، ذکر می شود به طوری که مثلاً در آیات سوره «طه» زندگی حضرت موسی علیه السلام از آن آغاز ولادت تا زمان بعثت، در چند آیه به صورتی خیلی زیبا، جامع و روشن، بیان شده است:

﴿إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ۖ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ ۚ وَالْقَيِّتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّمِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي﴾^۱

این داستان با ظرافت های تعبیری، بیان شده است؛ مثلاً فرق بین «اقذفیه» در «﴿أَنِ اقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ﴾» با «﴿فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ﴾»، و نیز جمع عدو خدا و عدو موسی علیه السلام در «﴿يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَعَدُوٌّ لَّهُ﴾» با «﴿الْقَيِّتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِّمِّي﴾» به زیبایی، بیان شده که او دشمن تو و دشمن من است؛ ولی من این قدر هنرنمایی کردم که محبت تو را در دل دشمن تو ایجاد کردم. سپس فرموده: «﴿لِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي﴾»؛ تو را به دست دشمن من و دشمن خودت سپردم که زیر چشم من پرورش یابی. این نکته بسیار جالبی است که اگر کسی در تعبیرات موجود در این آیات، دقت کند، می فهمد که همه اش اعجاز است.

به نمونه های دیگری از اعجاز بیانی هم اشاره کردیم.

۲. اعجاز غیبی: یکی از انواع اعجاز قرآنی، اشاره به حوادث غیبی است؛ آن هم حوادث زیادی که مربوط به صدها سال یا سال‌های بعد است و قرآن کریم به آنها اشاره کرده. در این زمینه هم دست کم به پنج مورد از موارد اعجاز غیبی قرآن، اشاره کردیم که شامل آیات ذیل بودند:

- «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ * فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ»^۱؛
 - «الْم * غُلِبَتِ الرُّومُ * فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ * فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»^۲؛
 - «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُلْ رَّبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»^۳؛
 - «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ * إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ * الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»^۴؛
- ابوجهل از استهزاءکنندگان پیامبر بود و خدا سال‌ها قبل از غزوه «بدر» فرمود که: «فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ» و اشاره کرد که ابوجهل در غزوه بدر به هلاکت می‌رسد.
- «أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ * سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ»^۵؛ این آیه هم مربوط به ابوجهل و غزوه بدر بود. او رجزخوانی می‌کرد که: «إِنَّا نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ» و خدا قبل از تحقق فتح بدر می‌فرماید: «سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ»؛

۳. اعجازات علمی قرآن کریم

آیات بسیار زیادی در قرآن کریم، اشاره به قوانین علمی و حقایق علمی شده است که در زمان نزول قرآن، بر بشر، کاملاً پوشیده بود؛ از قبیل:

- آیه ۴۷ سوره «ذاریات»: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ» ما این آسمان را با قدرت خود، آن هم قدرت تشکیلاتی خود، بنا نهادیم - «بِأَيْدٍ» در اینجا اشاره به قدرت تشکیلاتی این جهان است - و ما در حال گسترش دادن این آسمان هستیم. بعدها در همین قرون اخیر و بعد از رصد‌ها و اکتشافاتی که به دست آمد، پی بردند که آسمان در حال گسترش است و این کهکشان‌ها و ستارگان، در حال دور شدن از یکدیگرند و به طور کلی، آسمان به شکلی عجیب دارد گسترش پیدا می‌کند.
- آیه ۴۹ سوره «ذاریات»: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ این هم بعدها کشف شد؛ وگرنه در زمان نزول قرآن، چنین چیزی کشف نشده بود.

۱. سوره بقره: ۲۳ و ۲۴.

۲. سوره روم: ۱ - ۴.

۳. سوره قصص: ۸۵.

۴. سوره حجر: ۹۴ - ۹۶.

۵. سوره قمر: ۴۴ و ۴۵.

● آیه ۴ سورة «قیامت»: ﴿بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ﴾؛ اینکه این بنان آدمی، که جزء مشخصات بشر است و گفته می‌شود هر انسانی، بنانی ویژه خود را دارد به طوری که پیچیدگی‌هایی که در خطوطش وجود دارد، چنان منظم و از روی حساب است که بنان هیچ‌کس شبیه بنان دیگری نیست. این اعجاز مربوط به بنان، بعدها به دست آمد؛ وگرنه در زمان نزول قرآن، این حقیقت، مکشوف نبود که در بنان آدم، این سرّ عجیب الهی، پنهان است.

● آیه ۳۳ سورة «الرحمن»: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾؛ در آن زمان‌ها هیأت بطلمیوسی، حاکم بوده و اعتقاد داشته که این آسمان‌ها طبقاتی است که نمی‌شود از آنها گذشت؛ و گذر از یک طبقه به طبقه‌ای دیگر و نفوذ در آن، محال است؛ چون طبقات آسمان‌ها در نظر آنها (بعضها فوق بعض) بوده و هر طبقه، یک فلک محسوب می‌شده که جهانی برای خود داشته که بشر نمی‌توانسته از آن به جهان دیگر، نفوذ کند؛ ولی آیات قرآن گفتند: ﴿فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾؛ اینجا «سلطان» یا سلطان علم است یا سلطان قوت. هر دو، سلطان است و شاید مراد قرآن، هر دو علم و قوت باشد که با آنها می‌توان در این اقطار سماوات و الارض، نفوذ کرد.

● آیه ۲۲ سورة «حجر»: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾؛ تأثیر بادهای در باروری درختان و گیاهان، بعدها کشف شد؛ وگرنه در اوائل، نمی‌دانستند که یکی از کارکردهای بادهای طوفان‌ها باروری درختان و انتقال گرد گیاه نر به گیاه ماده است تا تلقیح صورت گیرد و گیاهان و نباتات، بارور شوند؛ درحالی‌که قرآن کریم قرن‌ها پیش از این کشف، اعلام کرده بود که: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ﴾. البته قبل از اینکه این کشفیات به دست آید، مفسران به شکلی دیگر، این لواقح را تفسیر می‌کردند؛ ولی همه آنها برخلاف ظاهر بودند و با تکلف، انجام می‌شدند؛ وگرنه مراد از تلقیح، آمیزش گیاه ماده و نر است.

● آیه ۵۳ سورة «طه»: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾؛ ما زمین را گاهواره برای شما قرار دادیم. در روزگاری که مردم، معتقد بودند زمین، ساکن است و حرکت نمی‌کند، اما این خورشید و منظومه شمسی است که به گرد زمین می‌گردد. حتی «گاليله» آن دانشمند معروف را برای همین، محاکمه کردند که با سکون زمین مخالفت داشته. در آن زمان‌هایی که هنوز این حقایق، مکشوف نبوده، قرآن کریم فرمود: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا﴾؛ زمین، مهد و گاهواره است و حرکت می‌کند. تعبیر به «گاهواره» نیز بسیار دقیق است؛ یعنی این حرکت، چنان است که بسان گاهواره، به آرامی صورت می‌گیرد نه یک حرکت تند کذایی.

یک وقتی در اوئل ایام جوانی که شاید بیش از ۱۵-۱۴ سال نداشتیم، شب در حال نماز بودم که به یک باره، طوری پیش آمد که گویا حرکت کره زمین را به گوشم شنیدم. علی‌رغم این حرکت و صدای عظیم، چنان برای بشر، آرام است که حکم یک گاهواره را دارد و او بر روی این زمین، احساس آرامش می‌کند.

۱. البته در سورة زخرف آیه ۱۰ هم همین تعبیر آمده؛ و در آیات دیگری قریب به این مضمون آمده؛ از قبیل: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾؛ [سورة بقره: ۲۲]؛ ﴿اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا﴾؛ [سورة غافر: ۶۴]؛ ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا﴾؛ [سورة ملک: ۱۵]؛ ﴿وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا﴾؛ [سورة نوح: ۱۹]. [مقرّر].

- آیه ۱۷ سوره «الرحمن»: ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾؛ این جز با کروی بودن زمین، قابل تصور نیست که در آن واحد، دو مشرق و دو مغرب داشته باشیم. اگر زمین را کروی بدانیم بگوییم دو طرف دارد، هر طرفش که رو باشد، طرف دیگرش پشت آن است؛ لذا همیشه ما دو مغرب و دو مشرق خواهیم داشت. این داشتن دو مغرب و دو مشرق، تنها با کروی بودن زمین، سازگار است. در زمانی که بحثی از کروی بودن زمین نبوده، قرآن کریم چنین مطرح فرموده. اگر زمین، مسطح بود و کروی نبود، بیش از یک مشرق و یک مغرب برای هر افق، متصور نبود؛ اما اگر دو طرف داشته باشد، هر طرفش یک مشرق و یک مغرب دارد که بدین ترتیب ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ می شود. پس این امر با دو طرفی بودن زمین، سازگار است.
- آیه شریفه: ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ...﴾^۱ نیز همین معنا را می رساند، ولی ﴿رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ﴾ نه به لحاظ حرکت زمین است، بلکه بدین معناست که شما در هر لحظه، دو مشرق و دو مغرب دارید؛ اما اگر حرکت زمین را در نظر بگیریم و معتقد باشیم که زمین در حال حرکت است، دارای مشارق و مغارب می گردد. پس زمین در حال حرکت، مشارق و مغارب دارد؛ چون می خواهیم بگوییم این آیه مربوط به کروی بودن زمین است نه حرکت آن. این آیه اشاره به کروی بودن زمین دارد؛ چون اگر کروی باشد، وقتی یک لحظه اش را نگاه کنید، دو مشرق و دو مغرب دارد؛ ولی اگر همه لحظاته اش را در نظر بگیرید، مشارق و مغارب پیدا می کند و این جز با کروی بودن زمین، سازگار نیست.
- آیه شریفه: ﴿حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ﴾^۲؛ گفته می شود که ﴿بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ﴾ در زمانی که زمین را کروی بدانیم و صاحب دو مشرق و دو مغرب، تصور کنیم، مشرقین، دورترین مساحتی است که روی زمین، متصور می شود؛ یعنی مشرق و مغرب یک طرف با مشرق و مغرب طرف دیگر، دورترین مسافتی خواهند بود که روی کره زمین، قابل تصور است. اگر در یک لحظه، دو طرف کره زمین را تصور و یک لحظه اش را نگاه کنید، مشرق یک نیم کره، در یک طرف است و مشرق نیم کره دیگر در طرف دیگر و بدن سان، مشرقین، تصور می شود و ﴿بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ﴾ یعنی طولانی ترین مسافت بین این دو.
- نکته «مشرقین» این است که دیده می شوند؛ ولی «مغربین»، تاریکند و چندان بین نیستند.
- آیه کریمه: ﴿اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾^۳؛ هنوز قانون جاذبه کشف نشده بود که قرآن کریم به قائم بودن آسمان «بغیر عمد» اشاره می کند؛ یعنی ستون دارد ولی دیدنی نیست و نادیدنی است. این ستونی که دیده نمی شود، با قانون جاذبه، کاملاً سازگار است. قرآن فرموده آسمان را بغیر عمد، آفریده ایم؛ بلکه به ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا﴾ اشاره می کند.

۱. سوره معارج: ۴۰.

۲. سوره زخرف: ۳۸.

۳. سوره رعد: ۲.

پرسشگر: ...

معظم له: همهٔ سماوات، جاذبه در خود دارند و اصلاً اگر جاذبه نباشد، استقرار این سماوات هم ممکن نیست. سماوات را با هر شکلی که تصور کنید، اگر قانون جذب و دفع قانون جاذبه نباشد، استقرار و نظم در جهان آسمانها متصور نمی‌گردد.

اگر گفته شود که این جاذبه، مخصوص آسمان دنیاست و گرنه آسمانهای بالاتر، قانون جاذبه ندارند، باید گفت این جاذبه‌ای که در زمین هست، در آسمانهای دیگر نیست؛ نه اینکه به طور کلی هیچ جاذبه‌ای وجود ندارد. اینها تعدادی از آیات بودند که به برخی از حقائق علمی، اشاره کرده‌اند که بعدها کشف شده‌اند.

و صلّی الله علی محمد و آله الطاهرين